

خبر

کیومرث مرادی:

نقد خوب است

اما توهمین و تحقیر اشتباه است

● سلسله‌نشست‌های بندپاز، تأملاتی درباره تئاتر ایران، این‌بار میزبان کیومرث مرادی، عضو هیئت داوران بیست‌وسومین جشنواره تئاتر دانشگاهی ایران با عنوان «خشم و هیاهو» بود. در ابتدای این نشست، کیومرث مرادی کارگردان، نویسنده و عضو هیئت داوران این دوره از جشنواره تئاتر دانشگاهی ایران گفت: من خودم نیز در دوران دانشجویی در این جشنواره حضور داشتم و جویازی را نیز دریافت کردم. به‌عنوان داور نیز دو دوره حضور داشتم و به‌عنوان داور بخش اصلی این اولین تجربه من بود. او درباره جرابی نبودش در دانشگاه بیان کرد: آخرین‌بار سال ۹۷ در دانشگاه آزاد در مقطع کارشناسی و ارشد تدریس داشتم و زمانی که مکان دانشگاه تغییر کرد، رفت‌وآمد جرابی نبودش در دانشگاه برای من سخت شد. متأسفانه نگاه خوبی به کسانی که در فضای آکادمیک حضور دارند و در همان زمان در کار تولید هم هستند، وجود ندارد. درحالی‌که من در سال‌های متعدد با همین بچه‌ها به کشورهای مختلف رفتم و اجراهای موفقی داشتم.

ایین کارگردان درباره حال‌وهوای ایین دوره از جشنواره تئاتر دانشجویی نیز توضیح داد: برای من جالب است، چراکه همیشه با بحران مواجه شده‌ام؛ اما در هر بحرانی من به ماهیت اصلی آن اتفاق فکر می‌کنم و برای من هشتک تئاتر باید زنده باشد، اهمیت دارد. من در تمام این سال‌ها می‌توانستم در سینما کار کنم، سریال بسازم و حتی تله‌تئاتر تولید کنم، اما واقعیت این است که هرگز نخواستم؛ چون تئاتر برای من شغل و حرفه‌ام است. در زمان ساخت سریال «در پناه تو» من جز، بازیگران اصلی بودم، اما میان بازیگری یا کارگردانی انتخاب کردم که کارگردان و معلم باشم. من از مکتبی بی‌آی‌ام که حمید مستندیان می‌گفت تئاتر نبض اصلی فرهنگ یک جامعه است. جشنواره تئاتر دانشجویی درست در روز دوم با بحران فرزندشن شهرها به‌دلیل تشدید کرونا و تعطیلی مواجه شد. در هیئت داوران بسیار به همکارانم افتخار می‌کنم؛ چراکه متقی‌القول ایستادیم که تئاتر بدون تماشاگر معنا ندارد. تنها ایده‌ای که به ذهن‌مان رسید، این بود که تئاتر یک هنر گروهی است، بنابراین من از همه کارگردانان حاضر درخواست کردم که جمع شوند و نظرشان را اعلام کنند، چون جشنواره متعلق به دانشجویست و باید در آن تجربه کند و لذت ببرد. ما نظرم‌سان را اعلام کردیم و همه نقطه نظر خود را گفتند. بنابراین جشنواره را جلو ببریم. افتخار می‌کنم به اینکه امید را نگه داشتیم و با وجود اتفاقات گسترده‌ای که رخ داد، جشنواره در نهایت با وجود مشکلاتی که به وجود آمد، برگزار شد و با آرامش کار جلو رفت. کیومرث مرادی همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا باید پذیرفت که نسل جدید نگاه متفاوتی در تئاتر دارد یا نه، گفت: تفاوتی بین نسل ما و نسل امروز وجود دارد. نسل ما ضددانشگاه بود و دوست داشت شبیه خودش باشد، اما در نسل امروز آنچه مشهود است، تحت تأثیر کارهای دیگران بودن است و این نگاه به من می‌گوید به‌عنوان یک خلق‌کننده پس تو کجا هستی. بخشی از حرف‌های منتقدان امروز را درباره این تفاوت نسلی می‌پذیرم؛ چراکه به نظرم اگر منجر به این شود که کارگردان و نمایش‌نامه‌نویس امروز به سمتی برود که جامعه امروز خودش را با نگاه خودش به نمایش بگذارد، عالی است. او در

ادامه درباره نبود جسارت بیان گفته‌های سیاسی یک‌سری کارگردانانی که از آنها تأثیر گرفته می‌شود؛ مانند امیررضا کوهستانی در آثار نسل جوان بیان کرد: جهان امروز به‌شدت جهان تغییر است. شما زمانی برای اینکه بفهمید در موزه هنرهای معاصر چه اتفاقی رخ می‌دهد، باید به موزه می‌رفتید، اما امروز در صفحه اینستاگرام موزه در فضای مجازی که برپدید، متوجه می‌شوید که چه نمایشگاهی در آنجا در حال برگزاری است. این اتفاق ناخودآگاه شکل گرفته و به‌لحاظ اجتماعی ما را تیرل کرده است. اما نمی‌توان دو شرایط متفاوت را با حضور این دنیای مجازی که هرکسی می‌تواند درست‌با غلط بنویسد، مقایسه کرد. میزان تأثیرپذیری امروز به‌ویژه در فرم اجرا بسیار است، چراکه دراماتوزی کار بسیار سختی است. ما باید ببینیم از چه کسی تأثیر می‌گیریم و این نکته حائز اهمیتی است. مرادی درباره این تأثیرپذیری در بخش کارگردانی نیز تأکید کرد: همه این‌گونه نبوده‌اند، اما اگر این شیوه حتی با تأثیرپذیری محتوا و زیبایی‌شناسی که می‌خواهند به مخاطب انتقال دهند، باشد، از نظر من اشکالی ندارد؛ اما نکته اینجاست که اغلب این آثار در این بخش مشکل دارند؛ چون کامل نیستند.

مادامی که ما در جزیره‌های مختلف دور از هم هستیم و با هم حرف نمی‌زنیم و حقیقت همدیگر را درک نمی‌کنیم، نمی‌توانیم به هم کمک کنیم. بسیار امید داشتم که نسل بعدی بیشتر با هم باشند، چراکه نسل ما بسیار با هم بود و از پیشرفت همدیگر خوشحال می‌شدیم. امیدوارم که این نسل نیز همین‌گونه باشد. این نکته مهمی است که تئاتر هر نوع سلیقه و تفکر ایدئولوژیکی را به هم نزدیک می‌کند. تئاتر را باهم‌بودن می‌سازد. فرهنگ نقد خوب است، اما توهمین و تحقیر اشتباه است. این هم‌گرایی باید بیشتر شود، چراکه نبود آن ترسناک است.

او در خاتمه صحبت‌هایش ابراز کرد: امیدوارم که دانشجویان، جشنواره تئاتر دانشجویی را سکوی پرتاب خود ندانند و برای تجربه‌کردن بچگند و تلاش کنند. باید افراد حرفه‌ای، نمایشندگان خانه تئاتر بیابند و کار بچه‌ها را ببینند، باید مشارکت‌ها بیشتر شود، چون آینده تئاتر ما را همین جوان‌ها می‌سازند.



مجید موثقی

سالی که گذشت «جشنواره بین‌المللی فیلم کن» با توجه به هم‌زمانی شیوع ویروس کرونا و برگزارنشدن فیزیکی آن، روزهای سختی را پشت‌سر گذاشت؛ اما امسال «هفتادوچهارمین نهال» خود را به دوستان آقای «اسپایک لی» و تیم دآوری او سپرده تا بتوانند بعد از مدت‌ها، قامت این نخل را به بلندی روزهای اوج خود بازگردانند؛ البته کمی پوستر این دوره از جشنواره سؤال‌برانگیز شد که چرا تصویر رئیس هیئت داوران آن یعنی «اسپایک لی» روی آن نقش بسته است! شاید این فرصت می‌توانست در اختیار هنرمندان فقید دیگری همچون عباس کیارستمی قرار گیرد که اتفاقاً زمان این دوره جشنواره کن مصادف با پنجمین سالگرد کوچ

این «شاعر- سینماگر» بزرگ شده است!

امسال فضا و اتمسفر جشنواره نسبت به دوره‌های قبل از آن خلوت‌تر است؛ ازاین‌رو دیدن فیلم‌ها ساده‌تر شده، ولی نقاب کهنه انسان هزاران سال است که بر چهره‌ها نمایان است که البته این روزها با نام ماسک بهداشتی زینت‌بخش هر کوی و محلی شده است.

تردد به داخل کاخ جشنواره با اسکن بارکدی که نشان‌دهنده واکسینه‌شدن آدم‌هاست، شرایط را کمی مطمئن‌تر کرده است؛ اما چه کسی می‌داند که آیا شعاع مراقبت و احتیاط، با دقت توسط همگان صورت می‌گیرد؟ امسال ایران حضور نسبتاً خوبی در بخش‌های مختلف جشنواره دارد؛ آخرین حضور سینمای ایران در بخش رقابتی و نامزدی برای نخل طلا، به سه سال پیش برمی‌گردد که اصغر فرهادی با فیلم «همه می‌دانند» و جعفر پناهی با فیلم «سه‌رخ» در این

هنر



گزارش اختصاصی خبرنگار «شرق» از جشنواره فیلم کن

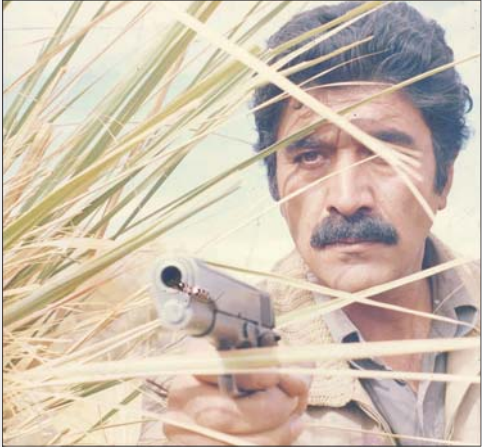
خرمایزان کن

رویداد بزرگ سینمایی حضور داشتند که پخش هر دو فیلم ذکرشده را کمپانی شهیر «ممنتو- Memento» بر عهده داشت و در انتها سهم ایران نه نخل طلا، بلکه بدر این نخل، یعنی فیلم‌نامه‌نویسی بود که نصیب جعفر پناهی و نادر سعاعی‌ور شد. تا به امروز فیلم «معم گلاش»، ساخته عباس کیارستمی، تنها فیلم تاریخ سینمای ایران است که با برنده‌شدن این نخل طلایی، عیار سینمای ایران را بالا برده است. اصغر فرهادی نیز با فیلم جدید «فهرمان - Hero» با بازی محسن تائبنده و امیر جدیدی حضور دارد که

پیش از این موضوع و تصاویر این فیلم با ظرافت خاصی در سکوت خبری پنهان شده بود؛ اما حالا در خرمایزان کن، همگان را مشتاق تماشای آن کرده است. فرهادی پیش از این نتوانست با دومین تجربه فیلم‌سازی‌اش خارج از ایران، یعنی فیلم «همه می‌دانند»، نظر مخاطبان و داوران جشنواره کن را به خود جلب کند، شاید این‌بار مام وطن را بهترین سکو برای باقی‌ماندن در جایگاه یک قهرمان یافته است! اصغر فرهادی یکی از بهترین فیلم‌سازان ایرانی است. «حسن معجونی» و «پانتله! پناهی‌ها» به کارگردانی

درباره‌زنده‌یاد «محمد برسوزیان»

کوچ بازیگری که شباهتی به نقش‌هایش نداشت



اینکه متوجه شد که پیکانش را از پشت سینما بهمین دیده‌اند، هیچ قربانی با نقشش نداشت. در میانه دهه هفتاد با کم‌شدن فیلم‌های حادثه‌ای و پلیسی و غالب‌شدن فیلم‌های جوان‌پسندان، فعالیت «برسوزیان» نیز مانند سایر بازیگران این نوع فیلم‌ها (مانند عنایت بخشی، کاظم افرندینا، رضا صفایی‌پور، حسن رضایی، کامران باختر، نرسی، مجید میزبانلی و…) کم و منحصر به نقش‌هایی حاشیه‌ای شد که طبیعتاً جلوه آن‌چنانی نداشتند و حضور در آنها صرفاً به جهت

«پناه پناهی» در برنامه نمایش جشنواره قرار دارد. این اولین فیلم بلند اوست که نشان‌دهنده جریان پویا و جدی خانواده پناهی در مقوله فیلم‌سازی است. نمایش این فیلم در بخش «دو هفته کارگردانان» مرکز توجه تماشاچیان قرار گرفت؛ فیلمی جاده‌ای که درون‌مایه آن مهاجرت و جدایی فرزند از خانواده است تا راه و سرنوشت خود را در غربت جست‌وجو کند. فیلم از یک سو دردناک و سوزنده است و از سویی دیگر با جاشنی طنز و موقعیت‌های غیر قابل پیش‌بینی ریتم خوبی پیدا کرده که داستان در انتها به گروتسکی تعمق‌برانگیز تبدیل می‌شود. «پناه پناهی» نشان داد که دربی یاقتن سینما و دغدغه‌های خویش است تا آنکه خواهان ادامه سینمای «جعفر پناهی» باشد که از این منظر می‌توان از او به‌عنوان یک پدیده نوظهور در سینمای

ایران نام برد. موسیقی این فیلم بار نوستالژیک خوبی به حس‌وحال این فیلم داده و بازی‌های خوب با همراهی موقعیت‌های طنز در کنار عناصر شنیداری و دیداری، حس شاعرانه خوبی به زیر متن فیلم داده تا مخاطب مفاهیم کودکی، خاک، جاده، مرز، مهاجرت و غربت را با همراهی موسیقی‌های قدیمی دوباره شنوی کند.

محمد میقانی نیز با فیلم «ارتودنسی» دیگر شرکت‌کننده ایرانی این دوره است که با این اثر، نامزد نخل طلای فیلم‌های کوتاه شده است. این فیلم‌ساز جوان و خوش‌آینه سال پیش در «جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارتو» با نگارش فیلم‌نامه فیلم کوتاه «زرد خالدار» به کارگردانی باران سرمد حضور داشت که امسال در «هفتادوچهارمین جشنواره بین‌المللی کن» یکی از امیدهای سینمای ایران برای گرفتن نخلی کوتاه‌تر اما با هسته‌ای پر از امید و کامیابی به سوی ساخت فیلمی بلند است.

زیر درختان زیتون

موفقیت کودکان ایرانی در المپیاد هنری آمریکا



● نقاشی‌های پنج عضو هنرمند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان موفق به دریافت جایزه از ششمین المپیاد هنری بنیاد بین‌المللی هنر کودک واشنگتن کشور آمریکا شد. به گزارش اداره‌کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، این المپیاد با موضوع «هنر و ورزش» در سال ۲۰۲۰ برگزار و از سوی کانون ۱۵ اثر به این رقابت ارسال شد. «سوگل فتاحی» عضو ۱۲ساله مرکز شماره یک کانون کرمانشاه، «راستین جعفری» هشت‌ساله عضو مرکز شماره سه کانون خرم‌آباد در استان لرستان و «هستی عابدی» ۹ساله از مرکز کانون شهرستان بوکان در استان آذربایجان غربی موفق به دریافت جایزه ششمین المپیاد هنری بنیاد بین‌المللی هنر کودک واشنگتن کشور آمریکا شدند. همچنین «علی غلامی» عضو ۱۲ساله مرکز کانون شهرستان آغاچاری در استان خوزستان و «حسنا اسکندری» عضو ۹ساله مرکز شهرستان شبرین‌سو در استان همدان دیگر اعضای هنرمند کانون هستند که از این المپیاد جایزه دریافت کردند.

کرونا «حراج تهران» را به تعویق انداخت



● چهاردهمین دوره از «حراج تهران» به‌علت وضعیت قرمز پایتخت به‌دلیل شیوع کرونا، ازسوی برگزارکنندگان به تعویق افتاد. به گزارش روابط عمومی «حراج تهران» در اطلاعیه برگزاری این دوره آمده است که با توجه به تشدید همه‌گیری ویروس کرونا و اعلام وضعیت قرمز توسط ستاد ملی مقابله با کرونا، برگزاری چهاردهمین دوره از حراج تهران به تاریخ دیگری موکول شده است. بنابراین این حراجی با اعلام، حصول اطمینان از کاهش همه‌گیری، تاریخ جدید متعاقباً اعلام خواهد شد. «حراج تهران» همچنین ضمن ادای احترام به جامعه پزشکی و خدمتگزاران حوزه سلامت، درگذشت جمعی از هم‌وطنان عزیزمان به علت کرونا را تسلیت گفته است. سال گذشته هم سیزدهمین دوره «حراج تهران» که قرار بود در تابستان برگزار شود، به دلیل جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در کشور چندین بار به تعویق افتاد و درنهایت عصر جمعه (۲۶ دی‌ماه) با ارائه ۱۱۰ اثر به‌صورت آنلاین و با اجرای حسین پاکدل برگزار شد. مجموع فروش این حراج ۸۷ میلیارد و ۹۴۲ میلیون تومان اعلام شد. گران‌ترین اثر این حراجی به قیمت ۱۲ میلیارد تومان متعلق به آیدین آغداشلو بود که حواشی زیادی را هم به همراه داشت.

داوران بخش «مستندنگاری» پنجمین جشنواره تلویزیونی مستند معرفی شدند

● با اعلام دبیرخانه پنجمین جشنواره تلویزیونی مستند، داوران بخش «مستندنگاری» این جشنواره معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی پنجمین جشنواره تلویزیونی مستند، با اعلام دبیرخانه این جشنواره، محمود مختاریان، محسن کاظمی و راحله صبوری به‌عنوان داوران بخش مستندنگاری پنجمین جشنواره تلویزیونی مستند معرفی شدند. محمود مختاریان متولد سال ۱۳۳۰، روزنامه‌نگار، پژوهشگر و استاد دانشگاه است. او در عمر حرفه‌ای خود به موضوعاتی مانند روزنامه‌نگاری، فتوژورالیسم، چپ و گرافیک و صفحه‌آرایی پرداخته است. محسن کاظمی متولد سال ۱۳۴۸، نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر و از فعالان عرصه خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی به‌شمار می‌رود. او مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های سیاسی داشته و کتاب‌های متعددی در این عرصه از او منتشر شده است. راحله صبوری، متولد سال ۱۳۵۳ نویسنده و مستندنگار است. از این نویسنده کتاب‌های متعددی به چاپ رسیده است که از آن جمله می‌توان به «همان صخره‌ها»، «کوچه نقاش‌ها» و… اشاره کرد. پنجمین دوره جشنواره تلویزیونی مستند با شعار روایت حقیقت در قاب واقعیت با انتشار فراخوان در بخش‌های فیلم مستند، عکس مستند و مستندنگاری، آغاز به کار کرده است. در بخش مستندنگاری، جشنواره دبیرای گزارش‌های مستند خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای خواهد بود. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام در جشنواره و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به آدرس اینترنتی www.festdoctv.com مراجعه کنند.

کم‌وبیش مافیایی. اصولا در یک گروه کوچک تولید و توزیع مواد مخدر نمی‌شود سلسله‌مراتب قدرت را به‌راحتی کنار گذاشت و باری به هر جهت بود؛ بنابراین اینجا هم با شکلی از وضع قانون مواجه هستیم که برای تداوم کار خانواده لازم‌الاجراست. شیوه اجرایی که مبتنی است بر واقع‌گرایی ناتواریستی، دربی آشکارکردن رازهای سربه‌مهر شخصیت‌هاست. نمایش خاک‌سفید فاقد چشم‌اندازی امیدبخش است و آدم‌هایش در یک وضعیت دوزخی روزگار می‌گذرانند. از این منظر اغلب بازی‌ها روان و البته تماشایی است. مشکل اما از رویکردی انتخابی گروه اجرایی در بازنمایی یک موقعیت دراماتیک تاریخی است؛ یعنی آن چیزی که از طریق تأکید بیش از اندازه بر وقایع محله غربت در خاک‌سفید، به تاریخ‌زدایی از روایت منجر شده است. تنها در انتهاست که صدای امر اجتماع را می‌شنویم؛ آن‌هم در لحظه سرنوشت‌سازی همچون محاصره این منطقه و دستگیری عمومی خلافکاران خرد و کلان. خاک‌سفید توانایی آن را ندارد که بیش از این نظم مستتر را رؤیت‌پذیر کرده و مسئولیتش را در به‌وجودآمدن این مصیبت اجتماعی روشن کند؛ همان کاری که برای مثال نویسنده‌های مانند امیل زولا در قبال فقر کارگران و مکتت طبقات فرادست نشان می‌دهد.

